

سنگین ترین سکنه

آیت‌الله مهدوی کنی

تقریباً سنگین‌ترین سکنه حاج آقا آیت‌الله‌مهدوی‌کنی! در زندان خیام لبنان، که در واقع زندان اسرائیلی‌ها بود و

بچه‌های حزبالله را در آنجا زندانی کرده بودند

اتفاقی افتاد، حاج‌آقا را روی نوک کوه برده بودند. حدود ۲ ساعت طول کشیده بود تا به آنجا برسند. حاج‌آقا رفته بودند که از طرف رهبر معظم انقلاب در مجلس ختم مرحوم شیخ محمدمهدی شمس‌الدین شرکت کنند. مرحوم شمس‌الدین از علمای بزرگ لبنان و در واقع قائم‌مقام امام موسی صدر بودند. ایشان که از دنیا رفتند، حاج‌آقا از روی رفاقت‌شان به آنجا رفتند و آقا اهربر معظم انقلاب! هم فرمودند: از طرف ما هم آنجا، نمایندگی کنید. حاج‌آقا را در آنجا، به مناطق آزادشده جنوب لبنان و زندان انصار و خیام برده بودند که آنجا را نشان‌شان بدهند. طی کردن آن مسافت مرتفع خیلی طول کشیده و روی حاج‌آقا اثر گذاشته بود، بعد هم که ایشان را داخل زندان بردند و خود فردی که شکنجه شده بود، ماجرا را توضیح داد، خیلی متأثر شدند.

این آقای امام جمعه نقل می‌کردند: در آن زندان، جایی تابوت مانند وجود داشت که زندانی را در آن برای مدتی طولانی، مثل یک قبر دفن می‌کردند. این فرد نه قدرت تکان خوردن داشت، نه نفسش بالا می‌آمد و در تاریکی محض هم بود، طوری که خیلی از افراد از حال می‌رفتند.

این تکه را از حاج‌آقا شنیده بودم و این آقای امام جمعه نقل می‌کردند که ظاهراً حاج‌آقا داخل آن تابوت رفته بودند و در همان جا احساس سنگینی و سکنه کردند.

هم‌راهم خواسته بودند به سرعت ایشان را به شهر برسانند که مسافت زیاد اجازه نداده بود و چون دم مرز هم بود، اسرائیلی‌ها گزارش کرده بودند گروهی دارد به‌سرعت حرکت می‌کند و نیروهای حافظ صلح هم مدتی جلوی کاروان را گرفته و تصور کرده بودند اینها یک گروه مسلح هستند که دارند به سرعت برای انجام عملیات می‌روند!و نهایتاً حاج‌آقا را تقریباً دوساعت‌ونیم معطل کرده بودند، طوری که دکتر گفته بود با این سکنه شدیداً فقط معجزه و کار خداست که ایشان زنده مانده‌اند!

این سنگین‌ترین سکنه حاج‌آقا بود که تقریباً نصف قلب ایشان را از کار انداخت؛ تا ۲ ساعت‌ونیم بعد از سکنه توانسته بودند به ایشان رسیدگی کنند و خیلی به ایشان سخت گذشته بود و عمده‌ترین آسیب در آن حادثه به حاج‌آقا وارد شد. حاج‌آقا تقریباً ۱۰ روز در بیمارستان بودند و بعد به ایران برگشتند. به هر حال برای ایشان در آن بازدید، شکنجه‌های دوران مبارزت انقلاب تداعی شده بود.

محمدسعیدمهدوی‌کنی
سیاستمدار سابق
 ماهنامه فرهنگی – تاریخی شاهد یاران دوره جدید، شماره ۱۲۰، مهرماه ۱۳۹۴ صفحات ۳۰ و ۳۱

م‌جی‌الدین عربی

به روایت شهید مطهری

م‌جی‌الدین عربی حاتمی اندلسی، از اولاد حاتم طایی است. در اندلس تولد یافته اما ظاهراً بیشتر عمر خود را در مکه و سوریه گذرانده است. شاگرد شیخ ابومدین مغربی اندلسی از عرفای قرن ششم است. سلسله طریقتش با یک واسطه به شیخ عبدالقادر گیلانی می‌رسد.

م‌جی‌الدین – که احياناً با نام «بن‌العربی» نیز خوانده می‌شود – مسلماً بزرگ‌ترین عرفای اسلام است؛ نه پیش از او و نه بعد از او. کسی به پایه او نرسیده است. به همین جهت او را «شیخ اکبر» لقب داده‌اند. عرفان اسلامی از بدو ظهور، قرن به قرن تکامل یافت؛ در هر قرنی عرفای بزرگی ظهور کردند و به عرفان تکامل بخشیدند و بر سرپایه‌اش افزودند. این تکامل تدریجی بود، ولی در قرن هفتم به‌دست م‌جی‌الدین عربی جهش پیدا کرد و به‌نهایت کمال خود رسید. م‌جی‌الدین عرفان را وارد مرحله جدیدی کرد که سابقه نداشت. بخش دوم عرفان، یعنی بخش علمی و نظری و فلسفی آن به وسیله م‌جی‌الدین پایه‌گذاری شد.

عرفای بعد از او عموماً ریزه‌خوار سفره او هستند. م‌جی‌الدین علاوه بر اینکه عرفان را وارد مرحله جدیدی کرد، یکی از عجایب روزگار است. انسانی است شکفت و به همین دلیل اظهار عقیده‌های متضادی درباره‌اش شده است. برخی او را ولی کامل، قطب‌الانقلاب می‌خوانند و بعضی دیگر تا حد کفر تزلش می‌دهند. گاهی ممیت‌الدین و گاهی م‌حی‌الدین‌اش می‌خوانند.

صدر‌الم‌تأله‌ین، فیلسوف بزرگ و نابغه عظیم اسلامی، نهایت احترام را برای او قائل است؛ م‌جی‌الدین بیش از ۲۰۰ کتاب تألیف کرده است. بسیاری از کتاب‌های او و شاید همه کتاب‌هایی که نسخه آنها موجود است (حدود ۳۰ کتاب) چاپ شده است. مهم‌ترین کتاب‌های او یکی «فتوحات‌مکیه» است که کتابی است بسیار بزرگ و در حقیقت یک دایره‌المعارف عرفانی است، دیگری کتاب «فصوص الحکم» که گرچه کوچک است ولی دقیق‌ترین و عمیق‌ترین متن عرفانی است؛ شروع زیادی بر آن نوشته شده است. در هر عصری شاید ۳-۲ نفر بیشتر پیدا نشده باشد که قادر به فهم این متن عمیق باشد.

مرتضی مطهری
خدمات متقابل اسلام و ایران
 انتشارات صدرا صفحات ۵۷۲ و ۵۷۳

حضرت امام حسن عسکری (ع)؛

چهارم‌سا که دگرگونی‌های زمانه، نوعی را تأدید خداوند عز و جل باشد.

حتی بعد از اینکه در بی‌سمی خبر شهادت همت و پاک‌سری پیچ شد، بچه‌های لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب، قصد عقب کشیدن و رها کردن

این میدان را نداشتند. ما اگر این جزیره را فتح نمی‌کردیم، خیلی دست‌مان در جنگ بسته می‌شد و هیچ اهرم فشار یا هیچ برگ برنده دیگری را به این راحتی نمی‌شد مقابل ارتش بعث پیدا کرد. چهره نمادین این صحنه نبرد، مهدی زین‌الدین بود. رتبه چهارم کنکور پزشکی که تحصیلاتش را رها کرد و بعد از شهید حسینعلی ترکی و شهید حسن درویشی که فرمانده تیپ ۱۷ علی بن ابی‌طالب بودند، نخستین فرمانده لشکر بچه‌های قم شد.

«مجنون» نخستین فیلم سینمای ایران درباره لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب و نخستین شمایی بود که از تعدادی از رزمنده‌ها و سرداران سپاه قم نمایش داده شده. فیلمی که تصویر مهدی زین‌الدین در آن به نمایش درآمده اما یک روایت بیوگرافیک از این فرمانده شهید نبود و نه با شروع زندگی‌اش شروع می‌شد و نه به شهادتش ختم می‌شد.

■ نسخه‌اکران شده «مجنون» سر و شکلی بهتر نسبت به نسخه

جشنواره‌ای دارد. هم ضرب‌آهنگ آن بالاتر است و هم جلوه‌های ویژه باورپذیر تر و حرفه‌ای تر شده؛ درباره این تغییرات و دلایل آن توضیح می‌دهد؟

ما فیلم «مجنون» را با عجله برای جشنواره فیلم فجر آماده کردیم و بسیاری از مراحل فنی مثل موسیقی، صداگذاری و اصلاح رنگ به صورت هم‌زمان پیش رفت. مشکل اصلی ما در بخش جلوه‌های ویژه بصری بود. ابتدا تلاش کردم با محمد برادران همکاری کنم اما این اتفاق نیفتاد. سپس با گروه دیگری کار کردیم که متأسفانه عملکردشان کیفیت مطلوب را نداشت و همین باعث شد ۲ سکانس کلیدی فیلم از نظر ترام‌آسیب ببینند.

■ مشخصاً کدام سکانس‌ها بود؟

این ۲ سکانس شامل صحنه انجبار سبل‌دین توسط تانک‌ها و سکانسی است که شهید مهدی زین‌الدین قبل از ورود تانک‌ها عکس‌های شناسایی را ورق می‌زند. به دلیل ضعف در جلوه‌های ویژه این صحنه‌ها برای مخاطب قابل درک نبود. پس از جشنواره، با پیگیری‌ها موفق شدیم اجازه بدهند جلوه‌های ویژه را دوباره انجام دهیم و در این فرآیند زمان فیلم از ۱۲۴ دقیقه به ۱۰۹ دقیقه کاهش یافت.

■ پس یکی از دلایل تأخیر در اکران عمومی فیلم مربوط به همین حساسیت‌ها و تلاش برای بالا رفتن کیفیت آن بوده است. روند بازسازی «مجنون» حدود یک سال طول کشید. با این حال فیلم از اسفند سال گذشته در انتظار اکران عمومی بود. این تجربه، سخت‌اما آموزنده بود؛ باعث شد محصول نهایی، هم از نظر روایی و هم از لحاظ فنی بتواند مخاطب را بهتر با خود همراه کند.

■ کمی به عقب برگردیم، وقتی پیشنهاد کارگردانی «مجنون» را پذیرفتید، چه اصولی برای خود قائل شدید؟

من از سینمای مستند آدم‌دم و برای ساخت فیلم داستانی سعی کردم از هر گونه حرکت دوربین بی‌مورد، کات‌های غیرضروری، بازی‌های اغراق آمیز، مناسن‌های پیچیده و... پرهیز کنم. هدفم این بود فیلمی بسازم که کاملاً واقعی و باورپذیر باشد. برای همین از هر چیزی که باعث کاهش باورپذیری می‌شد، دوری کردم. روایت «مجنون» درام کلاسیکی است که از نقطه شروع تا پایان با ساختار ساده و باورپذیر پیش می‌رود. تمام تلاش‌م این بود سینمای حقیقی و واقعی را در قالب اثری داستانی ارائه دهم. در این عرصه خود را الگوساز نمی‌دانم و ادعایی در این زمینه ندارم. ۲۰ سال فیلم مستند ساختم‌ام ولی همیشه سعی کردم امضای خودم را داشته باشم.

■ فیلم، به برخی م‌حک‌ها و تاریخ اتفاقات اشاره می‌کند. با این حال برای درک بهتر مخاطب، بهتر نبود یک زمان‌بندی دقیق‌تر از مقدمه، شروع و پایان عملیات خیبر لحاظ می‌شد؟

برای حفظ روانی و انسجام روایت، عملیات را در فیلم در قالب ۳ تایم لاین (زمان‌بندی) خالصه کردم. در حالی که این عملیات در واقع ۱۸ روز به طول انجامیده بود. در نسخه جشنواره، ۳ ساب‌تایتل (زیرنویس) داشتم. در نسخه اکران این تعداد به ۴ رسید اما از یک نقطه به بعد برای حفظ فضای سینمایی و امکان تخیل مخاطب، دیگر تاریخ‌های دقیق را حذف کردیم. سینما اقتضا می‌کند گاهی به سمت تخیل برویم و من تلاش کردم تاریخ‌ها را محدودتر و هدفمندتر به کار ببرم تا روایت لطمه نخورد. ■ احتمالاً یکی از چالش‌های مهم شما، انتخاب بازیگر نقش شهید مهدی زین‌الدین بوده است؛ خودتان از کار سجاد بابایی راضی هستید؟

در مرحله پیش تولید بارها با سجاد گفت‌وگو داشتیم و با هم خیلی موارد شخصیت را اتود زدیم تا به تصویری که در فیلم مشاهده می‌کنید، رسیدیم. سجاد در طول فیلم‌برداری تمرکز و مراقبه شدیدی نسبت به نقش داشت و همواره به او توصیه می‌کردم «بازی» نکنی و بیشتر به سمت واقعی بودن نزدیک شود. این شیوه سخت بود اما تمام بازیگران از جمله خود سجاد، محمدرسول صفری، بهزاد خلج، شبنم قربانی و... بخوبی توانستند این چالش را پشت سر بگذارند.

■ بازیگران دیگر را چطور انتخاب کردید؟

از ابتدا می‌دانستم بهزاد خلج باید نقش رضا حسن‌پور را بازی کند و شبنم قربانی نقش همسر شهید زین‌الدین را. شبنم قربانی را در فیلم «عشق کوفی» دیدم و متوجه شدم ایشان همان کسی است که باید در فیلم من حضور داشته باشد. این ۲ بازیگر انتخاب خودم بود که خوشبختانه هر ۳ کاندیدای دریافت جایزه از جشنواره شدند و ۲ نفرشان سیمیرغ گرفتند. دیگر بازیگران مانند محمد رشون، حسام منظور، مهدی حسینی، محمدرسول صفری و... نیز عملکرد قابل توجهی ارائه دادند و به حفظ توازن میان

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد اخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

پرونده «وطن امروز» درباره فیلم سینمایی «مجنون» در گفت‌وگو با کارگردان و تهیه‌کننده

ستاره‌های خیبر

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۸۲ نمابر: ۶۶۴۱۳۷۲۳۰
پيام‌رسان: @vatanemروز پست الكترونيك: info@vatanemروز
چاپ: موسسه جام‌چم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

روزنامه سینمایی
وطن امروز



صاحب‌رداری، صداگذاری، تدوین و کارگردانی‌اش در فجر آن سال نامزد سیمیرغ شدند و نهایتاً عباس نادران به عنوان تهیه‌کننده کار، سیمیرغ بلورین بهترین فیلم جشنواره را به‌خانه برد. از بزرگ برنده‌های اصلی مجنون حضور استاد مجید انتظامی به عنوان آهنگسازش بود که بعد از ۱۰ سال به سینما برگشته بود و برای این فیلم برای ششمین بار سیمیرغ بلورین گرفت. مجنون از ۱۶ مهرماه ۱۴۰۴ در ۱۷۱ سالن روی پرده سینما رفت تا بعد از سینما متروپول، دومین فیلم برگزیده فجر باشد که امسال، بعد از یک تأخیر طولانی روی پرده می‌رفت و تعداد سالن‌های خیلی کمی به آن تعلق می‌گرفت. در پرونده‌ای که برای فیلم سینمایی مجنون به مناسبت اکران آن تهیه کرده‌ایم، گفت‌وگو‌های ما با کارگردان و تهیه‌کننده این اثر را مطالعه می‌کنید. این ۲ نفر به طور جداگانه به سوال‌هایی درباره انگیزه ساخت این فیلم و نوع ارتباط‌شان با موضوع، دشواری‌های انتخاب بازیگر و تهیه فیلم، حضور در جشنواره فجر و اکران با تأثیر فیلم و چند مورد دیگر پاسخ گفته‌اند.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با عباس نادران، تهیه‌کننده «مجنون»

سینما از سبد خانواده‌ها حذف شده است

اقتصادی دارد. سینماداران و پخش‌کننده‌ها به دلیل منافع اقتصادی بیشتر تمایل دارند فیلم‌های کم‌دی اکران شود چون فروش دارد و شاید به همین دلیل، فیلم‌های غیر کم‌دی کمتر فرصت اکران می‌یابند. هرچند امسال فیلم‌های غیر کم‌دی هم اکران شدند که توانستند گوی سبقت فروش را از فیلم‌های کم‌دی بگیرند که نشان می‌دهد این نگاه تا حد زیادی اشتباه است. ■ فکر می‌کنید اگر به شما امکان بهتری در نمایش داده می‌شد، می‌توانستید در سرگرمی‌سازی مخاطب با آن فیلم‌های تجاری دیگر رقابت کنید؟

به طور کل سینما در سبب تفریح و سرگرمی خانواده‌ها جایگاهش را از دست داده است. هر اتفاقی در کشور رخ دهد، چه مثبت و چه منفی، سینما نخستین قربانی است. دلار گران شود، جنگ شود، خوشحالی یا غم‌خالی باشد، تورم بالا رود، ناخودآگاه این سینما است که از برنامه خانواده‌ها حذف می‌شود. همچنین برخی تصمیمات نادرست مثل افزایش قیمت بلیت هم تأثیرگذار بود، اعتراضات زیادی داشتیم اما زورمان به این تصمیمات نمی‌رسد. برای یک خانواده چهار نفره رفتن به سینما می‌تواند حدود ۲ میلیون تومان هزینه داشته باشد که طبیعی است سینما را از برنامه‌شان حذف کنند.

در ژانر دفاع مقدس فیلم‌های متعددی داریم که شاید فروش شگفت‌انگیزی نداشتند اما بسیار دیده شدند و جریان‌ساز شدند؛ مثل «استاده در غبار» و «موقعیت مهدی» دهه‌های گذشته هم فیلم‌هایی مثل «عقاب‌ها» و «کانی‌مانگا» جزو پرفروش‌های سینما بودند، چون در آن زمان ابزارهای نمایش متفاوت بود. اگر آرزویی در زمان اکران «مجنون» داشته باشیم، این است که مردم این فیلم را ببینند، چه در سینما و چه در هر جای دیگری. در حال فکر کردن به راهکارهای هنریم تا حتی در شهرهای دورافتاده و استان‌های مختلف، امکان دیدن فیلم فراهم شود. ■ اینکه می‌گویید هدف اصلی‌تان دیده شدن فیلم است، نه سود تجاری، با چه انگیزه‌ای می‌تواند باشد؟

یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های من در زمان جشنواره این بود که در یکی از سالن‌های سینما نوجوانی بعد از شنیدن نام‌هایی مانند زین‌الدین، اسم‌ها را در گوگل جست‌وجو کرد تا بیشتر درباره آنها بداند، یعنی «مجنون» آن لحظه توانست ذهن این نوجوان را به خود مشغول کند.

ما می‌توانیم قصه‌های مختلف جنگ را حول شخصیت‌ها و قهرمانان روایت کنیم. هنوز شخصیت‌ها و قهرمانان مهمی داریم که مردم شناختی از آنها ندارند یا هنوز فیلمی درباره‌شان ساخته نشده است. همچنین عملیات‌های بسیاری وجود دارد که هیچ روایت سینمایی درباره‌شان نیست. بسیاری دفاع‌مقدس آنقدر محتوا و قصه‌های نگفته دارد که نیاز به ساخت قصه از صفر نیست. بسیاری از این قصه‌ها به قدری جذابند که می‌توانند تبدیل به سریال‌های چند قسمتی در هالیوود شوند. این نکته را می‌توان با مقایسه آثار هالیوودی جنگ دوم جهانی متوجه شد که عملیات‌های ساده را بارها از زاویه‌های مختلف روایت می‌کنند. قصه‌های خودمان سراسر درام است و قاع از فضای منوری، از منظر قهرمان و ضدقهرمان فوق‌العاده‌ند. متأسفانه ما کمتر به این اتفاقات پرداخته‌ایم و در عین حال فیلم‌های باکیفیت جنگ دوم جهانی را می‌بینیم و به آن غبطه می‌خوریم، فروقی نمی‌کنند داستان حول فرمانده باشد یا روایت یک عملیات یا روایتی از دل جنگ، مهم این است که قصه‌ای جفت و بست‌دار داشته باشیم و در مرحله تولید اجازه ندھیم کیفیت فیلمنامه افت کند. اگر این اتفاق بیفتد، اثر موفق خواهد شد و مخاطب را جذب می‌کند. ■ آیا مخاطب امروز هنوز به این فضاها علاقه دارد؟

معتقد هستم مخاطب سینمای امروز ایران، با همه تناقض‌هایی که در معرض قرار دارد، اگر با تصویر واقعی و درست مواجه شود، نه تصویری تراشیده شده و مصنوعی، قطعاً آن را دوست خواهد داشت، با آن ارتباط برقرار می‌کند و در ذهنش می‌ماند. مردم ما قهرمانان ملی و شهدا را دوست دارند و تجربه ثابت کرده هر جا پای قهرمانان ملی که برای این آب و خاک جان دادند در میان باشد، فارغ از هر نوع نگارش سیاسی یا اجتماعی، در هر جای دنیا که باشند با احترام و تعظیم برخورد می‌کنند. مساله این است که آیا ما می‌توانیم بدون کم و کاست، قصه این بزرگان را روایت کنیم یا خیر. ما مردم ایران همیشه مثل یک خانواده کنار هم بودهایم. «مجنون» تصویری است از آدم‌هایی که همه چیزشان را گذاشتند تا این خانواده بماند تا ایران بماند. شاید دیدن این فیلم، ادای دینی کوچک باشد به کسانی که برای ماندن ما، از جان‌شان گذشتند. امیدوارم «مجنون» و فیلم‌هایی از این دست، با حمایت و همراهی مردم، بتوانند جریان روایت قصه‌های جنگ و شهدا را زنده نگه دارند؛ قصه‌هایی که اگر امروز گفته نشوند، فردا ممکن است برای همیشه نایافته بمانند.

■ برای فیلمی که قرار است تصویرگر چهره‌های واقعی و تاریخی باشد، در مرحله انتخاب بازیگر چالشی نداشتید؟

انتخاب بازیگرها ویژه برای نقش شهید مهدی زین‌الدین یکی از سخت‌ترین مراحل پیش‌تولید بود. باید کسی را پیدا می‌کردیم که پیش‌زمینه بازیگری در ذهن مخاطب نداشته باشد اما در عین حال توانایی بازیگری را داشته باشد و شباهت ظاهری نیز داشته باشد. شاید گزینه‌ها زیاد بودند اما بسیاری تنها ۲ ویژگی اول را داشتند ولی شباهت ظاهری نداشتند. بنابراین گزینه‌ها محدود و محدودتر شد. همچنین بازیگر علاوه بر ۲ ویژگی باید طاق‌ت یک فرآیند سخت و طولانی خارج از تهران را هم داشت و برای این نقش تمام توان خود را خرج می‌کرد. درک شخصیت از سوی بازیگر هم برای ما خیلی مهم بود چون مهدی زین‌الدین شخصیت پیچیدهای داشت؛ ابعاد او از نظر هوش نظامی، جسارت، شجاعت، عرفان و اخلاقی بی‌نظیر است. من هیچ گاه ادعا نکرده‌ام تصویر کامل او را خلق کرده‌ام، بلکه تنها گوشه و برشی از شخصیت او را به تصویر کشیده‌ام.

■ غیر از خود شهید مهدی زین‌الدین، در روایت فیلم مجنون شما دیگر از افراد مطرح دیگر هم نمایش داده‌شد؛ درباره آنها حساسیتی نداشتید؟

بعد از انتخاب سجاد بابایی به عنوان بازیگر اصلی، کاراکترهای دیگر نسبت به او انتخاب شدند. حدود ۵ ماه زمان صرف کردیم تا به قطعیت رسیدیم. در نهایت ترکیب بازیگران کار به گونه‌ای بود که مخاطب احساس نمی‌کند چیزی غیرواقعی یا خارج از چارچوب است. این باورپذیری برای ما مهم‌ترین مولفه بود. در هفته اول فیلم‌برداری به قم رفتیم و به شهید زین‌الدین گفتیم می‌خواهیم سربازی کنیم. شما فرمانده بودی، دست ما را بگیر تا کج نرویم و وظیفه‌مان را درست انجام دهیم. امیدوارم در انجام این مسؤولیت موفق بوده باشیم. پیش از ساخت «مجنون» فکر می‌کردم این حرف‌ها بیشتر شعار است اما واقعیت این بود که موقعیت‌هایی پیش می‌آمد که همه می‌گفتیم کار انجام نمی‌شود اما با حمایت و لطف شهید زین‌الدین همه مشکلات حل شدند. ■ آهنگسازی استاد مجید انتظامی در این پروژه برگ برنده‌ای بود که فیلم شما داشت؛ چطور توانستید ایشان را برای همکاری قانع کنید؟

یکی از کار کردن با استاد مجید انتظامی بدون هیچ‌گونه تردید یکی از آرزوهای بزرگ بود. ایشان و دیگر اساتید پیشکسوت بودند که ما را عاشق سینما کردند. موسیقی‌های استاد انتظامی را بارها شنیده‌ایم و این آثار ما را عاشق سینما کرد. برای همین وقتی فیلم «مجنون» تمام شد، نسخه‌ای از فیلم را برای ایشان بردم. با وجود وضعیت جسمی نچندان مناسب، ۴-۵ جلسه طولانی با ایشان برگزار کردیم. پس از دیدن نسخه فیلم و جلسه‌ای با کارگردان، استاد گفت چون فیلم را دوست دارم، همکاری می‌کند. روند آهنگسازی در کنار ایشان و تیم بزرگ نوازندگان‌شان بسیار جذاب بود. موسیقی «مجنون» بخش مهمی از فیلم است که بازخورد‌های بسیار مثبتی دریافت کرده است. جایگاه اساتیدی چون استاد مجید انتظامی، بسیار فراتر از هر جایزه‌ای مانند سیمیرغ است؛ در واقع این سیمیرغ است که باید به قرار گرفتن در قصه‌ای در کنار نام‌هایی چون انتظامی افتخار کند. موسیقی نهایی فیلم توانست در ذهن‌ها بماند و از سوی مخاطبان دوست داشته شود و همین، بزرگ‌ترین موفقیت است.

■ کار شما در جشنواره موفق ظاهر شد و جوایز زیادی هم گرفت اما ۲ سال طول کشید که روی پرده بیاید. در مورد بعضی فیلم‌های دیگر مثل سینما متروپول هم همین اتفاق رخ داده؛ فکر می‌کنید چرا چنین اتفاقی افتاده است؟

مابعد از جشنواره با مشکلاتی فنی مواجه شدیم که قرار بود آنها ویژه درباره کوتاه کردن فیلم و حل برخی مسائل فنی چند ماه به طول انجامد. بخش مهمی از فیلم است که زمان برد ۲ بار هم قرار بود فیلم اکران شود اما به دلایلی که هنوز برای من هم روشن نیست، در جواب‌های ضد و نقیضی دریافت کردیم. اگران به تعویق افتاد. حتی آخرین بار قرار بود عید امسال اکران شود که دقیقه ۹۰ از چرخه اکران حذف شد. تحلیل شخصی من این است وضعیت امروز سینمای ایران با ترس و لرز همراه شده است که ریشه‌های

